



«اگر کسی بود که به حرفمان گوش کند روزنامه دیوار را رها می‌کردیم»



«حامی ارتش سفید مصر #در_خانه_بمانید»



«دوستت دارم»

لو کانت لی دولة لجعلنا

طلال عتریسی، نویسنده و پژوهشگر لبنانی از جنب

جداریات تهران پد

«**گرافیتی» و «جداریات» و «ادبیات خیابانی» چیست؟**

جداریات پدیده‌ای است که مدت‌هاست شناخته‌شده و سه نوع دارد. نوع اول، تزئین دیوارهای اماکن عمومی با نقاشی و رنگ و چیزهایی از این قبیل است. نوع دوم، نقاشی‌هایی است که به دست هنرمندان کشیده می‌شود. یعنی خودشان نقاشی یا تابلوی معینی را می‌کشند و تفاوتش با نوع اول این است که نوع اول را مقامات رسمی مانند شهرداری‌ها و امثال آن در نقاط مختلف برای زیباسازی دیوارها انجام می‌دهند. نوع سومی هم هست که در مطالعات اجتماعی و سیاسی به آن توجه شده و اسمش را «ادب الشوارع / ادبیات خیابان‌ها» یا «ادب الاحتجاج / ادبیات اعتراضی» یا «ادبیات بیان سیاسی از طریق دیوارها» گذاشته‌اند. این جداریات در موارد بسیاری با جنبش‌های اجتماعی و انقلابی همراه هستند که تا حد زیادی بیانگر ماهیت جنبش‌های اعتراضی و آزادی‌اند. به‌گونه‌ای که تحت کنترل ضوابط، قوانین، سازمان‌ها و ممنوعیت‌ها قرار نمی‌گیرند. به‌این‌ترتیب با بسیاری از جنبش‌های اعتراضی همراه شده یا در بعضی موارد پیش از جنبش‌های اعتراضی و مقدمه‌ای برای آنها بوده یا هنگام این جنبش‌ها یا مثلا حرکت‌های داخلی اتفاق افتاده‌اند، مثل اتفاقی که در خیلی از کشورها افتاده و با بررسی جداریات اعتراضی یا ادبیات خیابان‌ها به دست جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و متخصصان رسانه مشخص شده‌است.

به نظر شما گرافیتی و ادبیات خیابان‌ها چه تفاوتی باهم دارند؟ پیام و دغدغه ادبیات خیابان‌ها چیست؟

تفاوت گرافیتی و ادبیات خیابان‌ها بسیار جزئی است و نمی‌توان حداقلی برای آنها قائل شد اما گرافیتی عموماً تلاش‌های فردی هنرمندانی است که در نقاشی و مبانی آن مهارت دارند.

هنرمند یک اثر قابل بررسی انجام می‌دهد و بر اساس ترکیب علمی رنگ‌ها از آنها استفاده می‌کند و بیشتر اوقات می‌خواهد ابزار و چود کند یا حضورش را در مقابل جهان و خیابان بی‌واسطه اثبات کند.

این یک نوع ارتباط با ذائقه عمومی و حضور بی‌واسطه در خیابان و بین مردم است و لزومی هم ندارد اعتراض آمیز باشد اما ادبیات خیابان‌ها اغلب بیانگر وضعیت اعتراضی یا مخالفت یا موضعگیری سیاسی یا مخالفت با یک نظر سیاسی یا شخصیت سیاسی است.

این تفاوت‌شان است، یعنی گرافیتی بیان هنری است که لزومی ندارد اهداف سیاسی یا اجتماعی داشته‌باشد و می‌تواند بیان شخصی پشتش باشد، درحالی‌که ادبیات خیابان‌ها بیشتر بیان حرکت اعتراض‌آمیز یا ریشه‌ای از یک حرکت اعتراض‌آمیز است، شعارهای سیاسی و همین‌طور قضیه‌ای دارد که از آن دفاع کند یا به‌خاطرش اعتراض کند یا بخواد به‌واسطه جداریات و ادبیات خیابان‌ها آن را یک مسأله برجسته و قدرتمند قرار دهد. این تفاوت آنها باهم است. شباهت‌شان هم که ترسیم روی دیوار و استفاده از آن است.

«ادبیات خیابان‌ها از چه زمانی شروع شد و رواج پیدا کرد؟ آیا متعلق به کشور خاصی است؟

بعضی بررسی‌ها نشان می‌دهد سابقه ادبیات خیابان‌ها به تقریباً نیمه قرن بیستم برمی‌گردد. همزمان با انتشار پدیده جنبش‌های راستگرا و انقلابی که در فرانسه شروع شد، به اروپا راه یافت و در خیابان‌ها گسترش پیدا کرد. همچنین زمان جنبش هیپی‌ها یا افرادی که علیه ارزش‌های کنترل اجتماعی و فرهنگی شورش کردند. نقاشی‌ها و آنچه ادبیات خیابان‌ها نامیده شده با این پدیده همراه بود، از دل کنترل‌ها و قوانین بیرون آمده و از آن موقع تا امروز ادامه پیدا کرده‌است.

در آن زمان موجی از نهضت‌های آژادسازی، اعتراضی دانشجویی و راستگرا وجود داشت که به اشکال متفاوت و با نوشته‌های مختلف از جمله جداریات خود را نشان می‌دادند تا توجه فقیه مردم را جلب کنند. یعنی نه فقط معترضان بلکه هرکه از خیابان رد می‌شود بتواند این شعارها را ببیند. شعارهایی که نشان‌دهنده تمایلات و نظرات و جهتگیری این جنبش‌ها یا

جهتگیری فلان شخصیت یا فلان حزب یا فلان تصمیم سیاسی بود. این مسأله را ما مثلاً در دوره اخیر در لبنان نیز شاهد بودیم. یک نهضت اعتراضی شکل گرفت و به خیابان آمد و از این ادبیات استفاده کرد. هم ناسزها و شعارهایی علیه فساد مسئولان نوشت و هم نقاشی‌های توهین‌آمیزی علیه شخصیت‌های سیاسی کشید. موقع جنگ داخلی لبنان، که از سال‌های ۷۵ تا اواخر دهه ۹۰ ادامه داشت هم شاهد این ادبیات دیواری و شعار علیه مناطق دیگر لبنان و شخصیت‌های سیاسی بودیم. به همین دلیل ادبیات خیابان‌ها بیان تمایلات و سوگیری‌ها قلمداد شده و تقریباً از نیمه قرن گذشته و همزمان با آغاز نهضت‌هایی که گفتیم شناخته شده‌است.

«آیا ادبیات خیابان‌ها هنر است؟ یا شاخه‌ای از هنر یا راهی جدید به سوی هنر؟ اگر آن را هنر بدانیم، آیا هنر مستقلی حساب می‌شود؟

ادبیات خیابان‌ها هنر است. نقش‌ها و رنگ‌ها و اندیشه‌ها را به کار می‌گیرد و معمولاً توسط کسانی که مقداری تخصص و دانش هنری دارند پی گرفته می‌شود، هرچند چیزی که روی دیوارها نقاشی و پخش می‌شود کاملاً مطابق این تعاریف نیست، چون در خیلی موارد ممکن است ویژگی‌های هنری را نداشته‌باشد؛ یعنی یک نفر می‌آید و عکسی می‌کشد که نه شبیه شخصیت مورد نظر است و نه هیچ ویژگی هنری در آن دیده می‌شود، بعد زیرش عبارتی می‌نویسد که ما تازه با آن کلمه‌ها می‌فهمیم شعار یا انتقاد یا ناسزا متوجه چه کسی شده و بیشتر از این‌که اثر هنری باشد ابزار اعتراض محسوب می‌شود.

بنابراین وقتی شروط هنری در آن فراهم باشد بله! شاخه‌ای از هنر یا هنر مستقل یا مکمل هنرهای دیگر است، چون اینجا در بحث پیرامون هنر عده‌ای می‌گویند لازم نیست هنر حتماً پیامی داشته‌باشد و عده دیگری با این حرف مخالفند و می‌گویند چیزی به اسم هنر برای هنر وجود ندارد، هنر باید پیام داشته‌باشد و حتماً نظر یا موضعگیری‌ای را نشان بدهد.

این اظهار نظر ما را به نقطه اول در سؤال اول برمی‌گرداند؛ گرافیتی نقاشی هنری است که ویژگی‌های هنری بر آن منطبق می‌شود و ادبیات خیابان‌ها بیان اعتراضی است که لزوماً اثر هنری نیست. پس می‌توانیم بین‌شان تمایز قائل شویم؛ گرافیتی اثر هنری است و ادبیات خیابان‌ها گاهی اثر هنری است و گاهی صرفاً شعارهای اعتراضی- انتقادی‌که خشم مردم را نشان می‌دهد و با راهپیمایی‌ها و تظاهرات و اعتصاب‌ها در خیابان‌ها همراه می‌شود، چنان‌که دراین زمان و همین سال‌های اخیر در بسیاری از کشورهای جهان شاهد آن بودیم؛ لذا گاهی هنر است و گاهی نیست.

«به نظر شما ادبیات خیابان‌ها چه خصوصیتی دارد؟ آیا این خصوصیات را در دیوارنوشته‌های جهان عرب می‌توان دید؟

ادبیات خیابان‌ها؟ بله! ما آن را در کشورهای عربی می‌بینیم و مهم‌ترین ویژگی این ادبیات ماهیت اعتراضی آن است. شعارها بیانگر موضعگیری سیاسی نیست بلکه بیانگر هویت معترضان است. این ویژگی این ادبیات است؛ بیان هویت، تعیین هدفی که به سیاستگذاری‌هایش انتقاد یا اعتراض صورت می‌گیرد یا میل به اطاعت از آن وجود دارد یا امثال اینها. به‌عنوان مثال من خودم در مصر شاهد این مسأله را در زمانی که جنبش بزرگ و اعتراض‌آمیز و انقلابی در مصر رخ داد، نقاشی‌هایی دیده می‌شد که ظاهراً اثر هنرمندان بود و با شعارهای سیاسی علیه حسنی مبارک همراه شده‌بود.

مثلاً مطالبه کناره‌گیری رئیس‌جمهوری، مبارزه با فساد و ایجاد فرصت‌های شغلی. همه اینها شعار شده و روی دیوارها نوشته‌شده بود و شعارها هم طبق میل گروه‌هایی که آنها را می‌نوشتند گوناگون بود.

همان‌طور که گفتم مثلاً در لبنان هم ما این مسأله را در نهضت اعتراض‌آمیز اخیر شاهد بودیم. اما بُعد هنری چندانی در آن دیده نمی‌شد، یعنی معلوم بود شعارها، نقاشی‌ها و نوشته‌ها کار افراد غیرحرفه‌ای است که باری به

«انسان موجودی عاطفی است و تقریباً در تمام تعاملات روزانه‌اش با

سایر افراد و پدیده‌ها این عاطفه را به‌کار می‌گیرد. هنر و ادبیات یکی از راه‌های او برای ابراز عواطف و افکار ناگفته‌اش است.

اگر زبانش به او خیانت کند از قلمش کمک می‌گیرد و اگر قلم با او راه نیاید، قلم‌مو به دست می‌گیرد. شعر می‌گوید، می‌نوازد، نقاشی

می‌کشد یا به شیوه‌های دیگر ابراز احساسات پناه می‌برد. زبان

هرجهت چیزی نوشته و شکل‌هایی کشیده‌اند که معنای خاصی ندارد و بعضی جاها هم فقط فحش داده‌اند.

می‌توان این شعارها را بررسی کرد؛ مثلاً شعارهایی که روبه‌روی بانک لبنان نوشته و متمهش کرده‌اند که باعث تخریب وضعیت مالی در لبنان شده یا شعارهایی که علیه رئیس‌جمهور نوشته‌شده و نشان‌دهنده جهت‌گیری سیاسی تظاهرکنندگان است یا شعارهای دیگری که برای دیوارهای وسط شهر انتخاب می‌شوند تا تمام مردم و عابران و کسانی که در ماشین هستند بتوانند این شعارها را ببینند.

شعارها اهداف نهضت‌ها را نشان می‌دهند. مثلاً در لبنان از شعارها معلوم بود که اهداف نهضت‌ها یک‌دست نبوده و بعضی‌ها خواهان سرنگونی حکومت، بعضی‌ها خواهان مبارزه با فساد و بعضی‌ها هم خواهان تغییر رئیس‌جمهوری بودند و در نتیجه شعارها هم پیرامون اهداف متنوع چرخ می‌خورد. یعنی نگاره‌ها یک‌دست نبوده و با اهداف مختلف و مضامین مختلف ترسیم شده‌بود اما در سطح هنری بیشترشان ضعیف بوده و حداقل‌های شروط هنری را هم نداشتند.

«ادبیات خیابان‌ها در جهان امروز ما چه نقشی می‌تواند بازی کند و می‌توانیم آن را سفیر صلح یا جنگ بدانیم؟

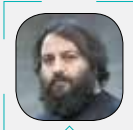
ادبیات خیابان‌ها در اعلام نهضت اعتراض‌آمیز نقش دارد. بله! نقش هم بازی کرده، چه در صلح چه در جنگ چه در بالاگرفتن نهضت اعتراضی. ادبیات خیابان‌ها در تهران هنگام جنگ‌تحمیلی عراق بر ایران نقش زیادی بازی کرد. نگاره‌هایی وجود داشت که درباره اثاث‌گری‌ا رزمندگان ایرانی و شجاعت آنها سخن می‌گفت، نگاره‌هایی هم درباره صدام حسین ستمکار مستبد که در جنگ از سلاح شیمیایی استفاده می‌کرد، وجود داشت.

بله! در روند بسیج رسانه‌ای و روانی هنگام جنگ ایفاگر نقش بوده و به همین دلیل می‌بینم سال‌ها بعد از پایان جنگ این شعارها کم‌کم ناپدید می‌شوند، ما این شعارها را موقعی که از فرودگاه تهران بیرون می‌زدیم روی دیوارهای خروجی می‌دیدیم. یعنی اینها اولین چیزی بود که شخصی موقع بیرون‌آمدن از فرودگاه و واردشدن به پایتخت می‌دید. ویژگی‌ها هنری هم داشتند و در بسیج معنوی و تشویق برای پیوستن به جنگ و دفاع از ایران تأثیرگذار بودند. در زمان صلح و با پایان جنگ، این جداریات پاک شد و تبلیغات و امثال آن جایشان را گرفت. در لبنان هم ما هنگام جنگ شاهد این تجربه بودیم. یعنی جداریات و نقاشی‌ها کار بسیج روانی و ایجاد نفرت علیه دشمن را انجام می‌داد اما وقتی جنگ تمام شد ناپدید شدند و نوع دیگری



مانند تصاویر مساجد و کلیسا و پایتخت جایشان می‌تواند در صلح و جنگ نقش ایفا کند اما این‌طورن بسازد. فقط به‌عنوان یکی از عوامل و ابزارها عمل همین به‌قول معروف شبکه‌های اجتماعی امروز! عمومی یا تحریک یا آرام‌سازی سهمیم هستند. ادبیات دارد.

«جایگاه خلاقیت در ادبیات خیابان‌ها کجاست؟ ادبیات خلاقانه است یا بدون برنامه‌ریزی و تصادفی‌ش
وقتی نقش یا نوشتن شعارها از طرف کسانی صورت می‌گیرد در این زمینه دارند (یعنی کسانی که مبانی هنر را می‌دارند) خلاقانه و نشان‌دهنده خلاقیت است اما این



مرتضی درخشان

روزنامه‌نگار

روایت سوم روح خسته دیوارنوشته‌ها

«جداریات برای من جالبیات بود. آن عاشقانه‌هایی بود که به بدترین خطوط روی کوه‌های جاده چالوس می‌نوشتند و همه احمقانه بود، الا یکی که نمی‌خواهم از آن بگویم.

حق داشتیم، تصور کنید توی

یک شهرک مسکونی از خانه‌های سازمانی نظامی، آن هم دهه ۷۰ چقدر احتمال داشت که عشقی رخ بدهد که تازه بروز بیرونی‌اش بشود یک پیام عاشقانه روی دیوار؟! اصلاً شهرکی که به روستایی صد خانواری شبیه بود، شهرکی که همه همدیگر را می‌شناختند و اگر اول اسم کوچک کسی را هم روی دیوار می‌نوشتی، با یک احتمال‌گیری ساده هر دو نفر لو می‌رفتند، چقدر می‌توانست آبتسن یک جداریه باشد؟! تقریباً غیرممکن بود!

همه چیز روال بود، تا این‌که دوباره فهمیدیم تنها چیزی که غیرممکن است، خود غیرممکن است. تا این‌که

^[1] «جداریات برای من جالبیات بود

^[2] «جداریات برای من جالبیات بود